

مجازات‌های منصوص شرعی در فقه و سیاست کیفری ایران

دکتر رضا انصاری
استادیار، گروه فقه و اصول، دانشکده علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

یاسر اسدی
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، عضو مرکز وکلای قوه قضائیه، شیراز، ایران
، اردبیل، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰.۰۱.۱۵ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱.۰۳.۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱.۰۵.۰۱



چکیده

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رویکرد جدیدی به سیاست کیفری ایران دارد و با پیش‌بینی موازین کیفری جدید تحولی عظیم در ارتباط با جرم و مجازات ایجاد نموده است. یکی از این رویکردهای نوین در سیاست کیفری را باید مواد ۱۱۵ و ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی بدانیم که با پیش‌بینی اختیار قاضی در رجوع به منابع شرعی در جرائم منصوص شرعی سبب ایجاد ابهامات فراوانی از بعد اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تفسیر به نفع متهم شده است. زیرا در بسیاری از موارد فقها با وجود حدود و دیات از ورود یا پذیرش به جرائم منصوص شرعی خودداری کرده‌اند و یا موارد پذیرفته شده توسط آنها بسیار محدود می‌باشد و تنها علامه مجلسی مصادیق این نوع جرائم را تبیین نموده است. مجازات منصوص شرعی در سیاست کیفری ایران جایگاهی مشابه با حدود دارد و در برخی موارد این جرائم در باب حدود مورد اشاره و پذیرش سیاست کیفری ایران قرار گرفته است، باین وجود قانونگذار به قضات اختیار داده است تا با جستجو در منابع شرعی و با استفاده از علم خود به تبیین و تعیین مجازات مقرر در منابع فقهی پیرامون برخی جرائم اقدام و حکم به مجازات را صادر نمایند. این سیاست کیفری در نظام حقوقی ایران دارای سابقه قانونگذاری و اجرایی مشابه نمی‌باشد و قالب جرائم منصوص شرعی نیز به نحوی است که نوع جرم، نوع مجازات و میزان آن توسط ائمه تعیین و به اجماع برخی از فقها در منابع و کتب فقهی مورد پذیرش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، مجازات، تعزیرات، مجازات‌های منصوص شرعی، مبانی فقهی.

Member of the Judiciary Bar Association

Abstract

Islamic penal code (IPC) in ۱۳۹۲ has new approach to Iranian penal policy and has made a massive transformation with regard to crime and punishment through predicting new penal standards. One of these new approaches to penal policy are article ۱۱۵ and ۲۲۰ of IPC which predict the judge options in referring to patent resources in authorized religious offenses and thus bring some ambiguity in the principle of interpreted in favor of accused person with regard to the principle of legality of crime and punishment. Because in several cases although possessing the Hudud and Diyya to either enter or accept to authorized religious offenses, jurist rejected to do so or they have accepted very limited cases. Authorized religious punishment in Iranian penal policy owns a position similar to that of Hudud and in some cases Iranian penal policy has accepted and referred to these crimes related to Hudud, yet the law giver has given the authority to the judges to explain and determine the provided punishment in juridical sources about some crime through searching in patent resources and using their knowledge, and sentence the accused. This penal policy in Iran's legal system is not protected by the similar legislative and administrative history and most of authorized religious offenses are in a way that Imams determine the kind of the offense, punishment and the extent of it and some jurists have consensus about it in their juridical books and resources. This is an analytical-descriptive study.

Keywords: penal policy, punishment, sanctions, authorized religious offenses, juridical grounds.

مقدمه

قانون مجازات اسلامی، به عنوان یکی از مهم ترین قوانین ماهوی ایران، تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته و سالیان متعدد به صورت آزمایشی اجرا شده است. در سال ۱۳۸۶ لایحه قانون مجازات اسلامی برای بررسی و تصویب به عنوان یک قانون دائمی، تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید و پس از تصویب مجلس، با توجه به اصل ۸۵ قانون اساسی، در جلسه ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان نیز بررسی شد و مغایر با موازین شرع و قانون اساسی دانسته نشد. این قانون از جهات مختلفی با قانون مجازات اسلامی سابق متفاوت است؛ مهم ترین وجه تمایز، نگاه جدید قانونگذار به حوزه مجازات هاست، به گونه ای که در این قانون به منظور کاهش هزینه های فردی، اقتصادی اجتماعی و سیاسی که کیفر بر جامعه و افراد آن تحمیل می کند و نیز با هدف کاهش بار نظام کیفری و در جهت متنوع ساختن ضمانت اجرای جرائم، نهادهایی همچون مجازات های جایگزین حبس، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی را به رسمیت شناخته است. با وجود این، قانون مذکور دارای معایبی از جمله وجود تعارض بین مواد، بی دقتی در انتخاب اصطلاحات و عدم تبیین آن ها، بیان مقررات فاقد صبغه ماهوی کیفری، بهره برداری نادرست از منابع فقهی و رعایت نشدن حقوق بزهکار و بزه دیده است. سیاست جنایی در طول عمر خود یک فرآیند گذار از مفهومی مضیق، به مفهوم گسترده امروزی خود را پشت سر گذاشته است. این اصطلاح برای اولین بار در پایان سده ی هیجدهم میلادی در مفهومی مترادف با «سیاست کیفری» در آثار حقوقدانان آلمانی بیان گردید. اما در نظام حقوقی ایران، سیاست برگرفته از شرع اسلام می باشد، سیاست کیفری ریشه در تاریخ اسلام دارد و همراه با بیان مبانی اصلی دین یعنی قرآن و یا از سوی پیامبر و امامان بدان تصریح شده است و دارای عمری به اندازه تاریخ اسلام می باشد، موضوع مهم در رابطه با حقوق جزایی ایران این موضوع می باشد که تدوین و نگارش هر قانونی باید بر مبنایی باشد که مغایر با موازین شرعی اسلام نباشد و این موازین خود در برگرفته سیاست کیفری اسلام می باشد. اصل مورد تاکید در دین و فقه اسلامی بر مبنای اصل قانونی بودن جرم و مجازات و برقراری قسط و عدالت می باشد، در کنار این موارد در بسیاری از جرائم ملاحظه می گردد که شارع تاکید بسیاری بر بزه پوشی و یا عفو و بخشش دارد، در حقیقت سیاست کیفری اسلام تمایل بر اجرای این مبانی و چارچوب ها دارد و در رابطه با اعمال مجازات نیز اصل را بر حرمت خون، جان و آبرو قرار داده است. در بسیاری از موارد نیز بر این موضوع تاکید نموده است و در قالبی از تقسیم بندی حق ناشی از ارتکاب جرم را برای بزه دیده و بزهکار به حق الله و حق الناس تقسیم نموده و به تبع آن برای آنها چارچوب هایی در زمینه عفو، جبران خسارت و

مسئولیت کیفری تبیین نموده است. در عمل سیاست کیفری اسلام در بسیاری از موارد نوع شخصیت افراد را در نظر گرفته و یا نوع جرم را مدنظر قرار داده و در رابطه با هر یک اقدام به تمهید سیاست کیفری مناسب اعم از اعمال مجازات، عدم مسئولیت کیفری و جبران خسارت نموده است. در مواردی سیاست کیفری اسلام در رابطه با جرم انگاری و اجرای مجازات اقدام به وضع مقررات و چارچوب های خاص و احصاء شده ای نموده است که برای تاکید بر اجرای آنها و متفاوت بودن آنها اقدام به وضع حداقل و حداکثر مجازات و یا در مواردی نوع و میزان مجازات را نیز تعیین نموده است. هدف از انجام این پژوهش انجام تحقیقی در ارتباط با اینگونه جرائم در قالب جرائم منصوص شرعی می باشد که به عنوان یکی از جرم انگاری های جدید و از موضوعات بحث برانگیز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است.

۱-۲- بیان مسأله

برای سیاست کیفری معانی متعددی ذکر شده است. برخی حقوقدانان آن را معادل سیاست جنائی می دانند.^{۱۱} از ویژگی های هر سیاست کلان، هماهنگی و انسجام میان عناصر و مولفه های آن می باشد.^{۱۲} اگر سیاست کیفری را به منزله ی تدابیر مواجهه با جرم تلقی کنیم، هیچ حکومتی در طول تاریخ فاقد سیاست جنایی نبوده است؛ زیرا به هر حال در مقابل جرم واکنش خاصی داشته است.

اندیشمندان در ارتباط با سیاست جنایی تعریف واحدی ارائه نداده اند و همین امر موجب پیدایش نوعی ابهام در مفهوم این اصطلاح شده است.^{۱۳} در تعریف سیاست کیفری باید گفت؛ سیاست کیفری عبارت از: مهندسی کیفری عکس العمل مناسب در برابر جرم و مجرم و خطوط کلی طرز برخورد موفقیت آمیز در مواجهه با جرم می باشد. برای این که یک سیاست کیفری همزمان کار آمد، عادلانه و انسانی باشد لازم است در پیش بینی و اجرای ضمانت اجراهای کیفری متناسب با تنوع جرایم، گوناگونی مجرمان و تفاوت شرایط ارتکاب بزه از انواع و مقادیر مختلف مجازات ها بهره جوید و همواره هدف اصلی سیاست کیفری برتر را که برقراری عدالت در حد مطلوب و اصلاح و بازگرداندن مجرمان به جامعه می باشد را مدنظر قرار دهد. براین مبنا در این تحقیق ویژگی های سیاست کیفری برتر (مطلوب) نیز بررسی می گردد. قانونگذار در سیاست

^{۱۱} جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰، ص ۴۱۵.

^{۱۲} تسلیمی، محمدسعید، تحلیل فرآیندهای خط مشی گذاری و تصمیم گیری، تهران، سمت، ۱۳۸۶، ص ۹.

^{۱۳} حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۳، ص ۱۵۳.

جنایی برای کنترل جرم، علاوه بر پاسخ های کیفری، از مشارکت نهادهای اجتماعی نیز بهره مند می شود. حقوق کیفری یکی از ارکان اساسی سیاست جنایی است؛ اما همه ی آن را تشکیل نمی دهد. سیاست جنایی، علاوه بر حقوق کیفری، یعنی مجموعه ی قواعد و مقررات حاکم بر واکنش اجتماعی علیه بزهکاری، شامل قواعد حقوقی دیگر نیز می باشد. وظیفه ی اساسی سیاست جنایی در یک کشور، کنترل بزهکاری است. سیاست جنایی در دو مفهوم «مضیق و «موسع» کاربرد دارد که در معنای مضیق، همان سیاست کیفری است. اما سیاست جنایی در معنای موسع، تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن را نیز در بر می گیرد.^{۱۴} در ارتباط با واژه «منصوص» باید بیان نمود؛ منصوص در لغت اسم مفعول از ریشه «نص» به معنای به ثبوتی رسیده، اثبات شده و تصریح شده است. در فقه و حقوق به واقعه ای گفته می شود که حکم آن به روشنی و آشکار محقق و معین باشد.^{۱۵} قانونگذار در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعزیرات را اعم از تعزیرات شرعی و حکومتی دانسته و هر جای قانون ذکری از تعزیرات به میان آورده، منظور مجموع تعزیرات شرعی و حکومتی بوده است. بنابراین مقررات تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، تعلیق اجرای مجازات و مرور زمان که در مجازات های تعزیری قابل اعمال است مجموع تعزیرات شرعی و حکومتی را در بر می گیرد. اما قانونگذار با وضع تبصره ۲ ماده ۱۱۵ از همین قانون و بکارگیری عنوان «تعزیرات منصوص شرعی» اعمال برخی مقررات قانونی را درباره این دسته از تعزیرات، منتفی دانسته است. قانونگذار با قید کلمه «منصوص» بعد از کلمه تعزیرات در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی به صورت کاملاً عالمانه و آگاهانه در پی تفکیک تعزیرات شرعی بوده و بدین صورت تعزیرات منصوص شرعی را از تعزیرات شرعی مشخص نموده است. هر چند قانونگذار بدون تعیین ضابطه ای مشخص برای تشخیص تعزیرات منصوص شرعی از غیر آن، تعزیرات منصوص را از اعمال برخی مقررات خارج کرده است ولی با در نظر گرفتن منصوص مصادیق تعزیرات منصوص را نیز باید شناسایی می نمود، موضوعی که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مغفول مانده است و قانونگذار با سکوت خود در این زمینه سبب گردیده است تا بین محققان و بسیاری از مراجع کیفری در اعمال این ماده قانون مجازات اسلامی ابهامات و ایرادات متعددی وارد گردد. با مراجعه به قواعد و مبانی فقهی و نصوص شرعی می توان علاوه بر تشخیص تعزیرات منصوص شرعی از تعزیرات غیر منصوص شرعی و سایر تعزیرات مندرج در منابع فقهی، می توان این مطلب را بیان نمود که فقها به طور کلی

^{۱۴} عظیم زاده اردبیلی، فائزه و حسایی، ساره، «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن»، مجله تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳.

^{۱۵} انصاری، محمد و طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد سوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸۸.

اعمال تعزیر را در مقابل ارتکاب محرمات شرعی از اختیارات حاکم می‌دانند. لذا به تعزیری (تنبیه و تأدیبه) که با تبعیت از این قاعده عام از سوی حاکم برای ارتکاب هر نوع محرمات شرعی در نظر گرفته و اعمال می‌شود تعزیرات شرعی گفته می‌شود. بنابراین حاکم می‌تواند به تعداد افعال و ترک فعل‌های حرام شرعی، تعزیر در نظر گرفته و تعیین نماید. اما در کنار این قاعده عام و کلی، برخی اعمال و رفتار حرام شرعی به صورت خاص در «نصوص شرعی» معرفی و برای مرتکبین این اعمال از سوی شارع مقدس تعزیر، اعم از این که نوع و مقدار تعزیر مشخص شده یا نشده باشد، در نظر گرفته شده است که به این دسته از تعزیرات، تعزیرات منصوص شرعی گفته می‌شود؛ تعزیراتی که دارای «نص شرعی» هستند. نص شرعی نیز از منظر فقهی، حکم برآمده از ظاهر قرآن یا روایات را می‌گویند. در نتیجه برای شناسایی تعزیرات منصوص شرعی باید به قرآن و روایات مراجعه نمود. باین توضیح، عمل یا اعمال خاصی که از سوی فقهاء مستحق تعزیر شناخته می‌شود در صورتی تعزیر منصوص شرعی تلقی می‌گردند که مبتنی بر روایت (نص شرعی) باشد در غیر این صورت صرفاً تعزیر شرعی با تبعیت از قاعده کلی پیش گفته، محسوب می‌گردد. با توجه به توضیحات فوق رابطه بین تعزیرات شرعی و تعزیرات منصوص شرعی را باید از نوع عموم و خصوص مطلق دانست نه تباین یا تساوی و یا حتی عموم و خصوص من وجه. بنابراین هر تعزیر منصوص شرعی، تعزیر شرعی است اما تنها برخی تعزیرات شرعی، منصوص‌اند. پیش از این بیان گردید قانونگذار ضابطه‌ای مشخص برای تفکیک مجازات منصوص شرعی از مجازات شرعی تعیین ننموده است. همین مسئله سبب ایجاد نظریات و آراء متفاوتی در بدو اجرای قانون جدید مجازات اسلامی گردید. بنابراین در تاریخ ۹۲/۵/۲۸ نظریه مشورتی شماره ۴۵ صادر گردید که چنین بیان می‌نماید: تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر مشخص شده است، بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر، به طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر شده است ولی نوع و مقدار آن معین نگردیده، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود. به همین جهت گفته شده است که مجازات‌های وضع شده در قانون مجازات اسلامی و سایر آن (غیر از حدود، قصاص و دیات) در صورتی که از جهت حق الناس بودن موضوع مجرمانه باشد مجازات مقرر برای آن تعزیر شرعی است و اگر جنبه حق الحکومه در وضع آن مقررات مد نظر بوده باشد مجازات مزبور تعزیر حکومتی خواهد بود. در این تحقیق به دنبال واکاوی سیاست کیفری ایران که دچار تحولات و تغییرات فراوانی در طی چندسال اخیر گشته است می‌باشیم. چرا که سیاست جنایی اصولی است که دولت و جامعه با توسل به آنها مبارزه علیه بزه و بزه کاری را

سازمان دهی می‌نماید^{۱۶} و قاعدتا بنا به مصالح و مقتضیات زمان دچار تغییر و تحول می‌گردد. در ادامه به رابطه این سیاست کیفری با مجازات های منصوص شرعی و مبانی فقهی آنها خواهیم پرداخت. با توجه به مطالب فوق الذکر و اینکه شارع، برخلاف قانونگذار که سیاست کیفری که نظریه جدیدی می‌باشد را به کار برده است، به دنبال تبیین و مشخص نمودن چارچوب مجازات های منصوص شرعی که در اکثر موارد میزان، نوع و کیفیت آن مشخص می‌باشد، را به عنوان معیار و ملاک تفکیک این نوع مجازات از سایر مجازات ها قرارداده است. محقق به دنبال واکاوی رابطه سیاست کیفری ایران در رابطه با مجازات های منصوص شرعی و مبانی آن می‌باشد تا بتواند جایگاه این نوع مجازات های شرعی را در سیاست کیفری ایران تبیین و مشخص نماید. همچنین در ارتباط با ضمانت اجرای سیاست کیفری و تطابق دهی این ضمانت اجراها اقدام به تحلیل و بررسی نظریات و دیدگاه فقها و حقوقدانان و دکترین موجود در سیاست کیفری ایران بنماید.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

پژوهش‌های متعددی به بررسی سیاست کیفری ایران و یا مجازات های منصوص شرعی پرداخته شده است اما در کمتر پژوهشی به واکاوی سیاست کیفری ایران و رابطه آن با مجازات های منصوص شرعی پرداخته شده است. این تحقیق به دلیل اینکه از جنبه و زاویه جدیدی به دو مبحث بسیار مهم جزایی ایران، یعنی سیاست کیفری و مجازات های منصوص شرعی و رابطه این دو و متعاقبا تاثیر هر یک بر دیگری تحقیقی جدید و دارای جنبه نوآورانه است، می‌تواند هم به محققان به دلیل نبود منبع مبسوط و کاملی در این زمینه کمک نماید و هم از بعد عملی، تحقیقی است که با سیاست های روز و اراده قانونگذار در ارتباط با تغییر سیاست جنایی و به تبع آن سیاست کیفری در رابطه با مجازات های منصوص شرعی بسیار نزدیک و پیوسته می‌باشد.

۱-۴- سوابق تحقیق

- حسینی، ۱۳۹۱، بررسی فقهی ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد مرکزی تهران، نتایج بررسی و تحقیق‌ایات و روایات نشان می‌دهد که حاکم می‌تواند جنبه حق الهی مجازات های تعزیری را با گذشت شاکی و اقرار متهم و داشتن انگیزه شرافتمندانه مجرم و توبه و پشیمانی مجرم و حسن سابقه و وضع خاص بزهکار، تخفیف دهد و

^{۱۶} لازرژ، کرسیتین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه، دکتر علی حسین نجفی ابراباندی، انتشارات میزان، ۱۳۸۲، ص ۱۱.

همچنین مهمترین ادله تعمیم کیفیت های مجازات تعزیری به موارد غیر جلدی از قبیل: حبس، اخذ مال، تبعید، تهدید، تحقیر، توییح و سرزنش مجرم، ایات و روایاتی است که به حاکم اسلامی اجازه داده تا او بتواند با توجه به مصلحت مجرم و جامعه اقدام به صدور انواع مجازات های تعزیری نماید.

- حسینی، ۱۳۸۱، معنا و ماهیت تعزیر در اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، هرچند در روایات و کتب فقهی به موارد متعددی که موجب تعزیر می شود اشاره گردیده است، اما حکومت اسلامی می تواند در غیر از این موارد نیز اگر موجب اخلال در نظام اسلامی یا نظم اجتماعی گردد، تعزیراتی را انجام دهد. البته کسی می تواند تعزیرات را جاری نماید که ولایت بر اموال و انفس داشته باشد؛ ثبوت چنین ولایتی نیازمند دلیل است که قدر متیقن آن، معصومین هستند. این ولایت اگرچه می تواند از طرف ایشان به دیگران واگذار شود اما در صورت عدم اذن صریح و عدم دسترسی به امام، به دلیل نیاز جامعه به اجرای حدود، این حق برای فقیه جامع الشرایط نیز از طریق قدر متیقن ثابت می گردد؛ و در هر حال، نمی توان اقامه حدود را تعطیل کرد.

- سلیمی چمکاکایی، ۱۳۹۲، بررسی تطبیقی آثار و قواعد مجازات های تعزیری منصوص و غیرمنصوص شرعی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، این تحقیق شامل چهار فصل است. فصل اول کلیات تحقیق که شامل مقدمه ای کوتاه در مورد جرایم تعزیری و بازدارنده، سوالات، فرضیه ها و اهداف تحقیق و در ادامه اهمیت و ارزش تحقیق می باشد. در ادامه پیشینه ی موضوع نیز مختصراً مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم شامل دو بخش اصلی می باشد. در بخش اول به تعریف مفاهیم تعزیرات، تعزیرات منصوص، غیرمنصوص شرعی و... پرداخته و در بخش دوم به سراغ بیان مصادیق موارد مذکور پرداخته شده است. در فصل سوم در مورد قواعد حاکم بر تعزیرات منصوص و غیرمنصوص شرعی بیان شده است؛ از جمله قاعده ی معین بودن نوع و میزان آن. در فصل پایانی نیز آثار حاکم بر این تقسیم بندی مورد بررسی قرار گرفته است، که شامل دو قسمت اصلی می باشد؛ بررسی آثار از لحاظ فقهی و سپس قانونی.

- گرویی، ۱۳۹۱، مشروعیت مجازات حبس از دیدگاه مذاهب خمس، پایان نامه کارشناسی دانشگاه کرمان، مجازات حبس امروزه یکی از شیوه های مهم پیشگیری از جرم و مجازات مجرمین است. با توجه به اینکه در یک نظام اسلامی، کلیه مقررات بایستی براساس موازین اسلامی باشد، بررسی مشروعیت مجازات حبس لازم به نظر می رسد. به همین منظور در این

پژوهش پس از بیان کلیاتی از دیرینه‌این مجازات در اسلام و اهداف آن، با استناد به برخی از آیات قرآنی و روایات و بررسی نظرات مفسران و فقهای شیعه و سنی در خصوص آنها و نیز اشاره به برخی از حدود و تعزیرات که در آنها از مجازات حبس استفاده گردیده، علاوه بر اثبات مشروعیت این مجازات در نظام کیفری اسلام، جواز توسعه و تعمیم آن به غیر موارد منصوص نیز ثابت گردیده است. به طوری که با اثبات این تعمیم که البته بایستی با رعایت برخی از قواعد راجع به تعزیر از جمله قاعده مهم مصلحت در تعزیرات صورت بگیرد، می‌توان از این مجازات به عنوان یک مجازات باز دارنده نیز استفاده کرد.

- گله، ۱۳۹۰، بررسی فقهی و حقوقی ممنوعیت محاکمه مجدد در فقه امامیه با رویکرد اسنادین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران-قاعده منع تعقیب، محاکمه و مجازات مجدد به عنوان یکی از قواعد مورد قبول در این دادرسی کیفری اکثریت قریب به اتفاق کشورها بدین معناست که اگر شخصی به علت جرم خاصی محاکمه و به موجب حکم قطعی محکوم یا تبرئه شده باشد، دیگر به واسطه همان جرم نمی‌توان مجدداً وی را مورد محاکمه و مجازات قرار داد. این اصطلاح مستخرج از اصول حقوقی رومی می‌باشد بدین مفهوم که هیچ کس نباید دوبار برای یک جرم محاکمه شود. قریب به اتفاق فقها نیز به استناد دلایلی مانند بی اعتباری حکم قضات جور، احکام صادره از محاکم غیر شرعی را فاقد اعتبار دانسته و وجهه شرعی برای آنها قائل نیستند.

- مظفری، ۱۳۷۵، بررسی و تحلیل فقهی و قانونی پیرامون شرایط تحقق بزه قذف، دانشگاه تهران، مفاهیمی از قبیل قصد، رضا، اراده، انگیزه، سوء نیت عام، سوء نیت خاص، تکرار بزه، تعداد بزه و شرکت در جرم از زمره مباحثی هستند که در بزه قذف و در مبحث انتساب عمل مجرمانه به قاذف تحلیل می‌گردند عنصر مادی قذف لفظ مجرمانه‌ای است که صراحتاً بایستی دلالت بر قذف نماید و در غیر این صورت بزه قذف مستوجب حد شرعی نمی‌گردد از جمله عناصر اختصاصی که در قذف وجودش لازم است شرایط خاص مقرر شده توسط شارع مقدس است که برای قاذف مقذوف بیان کرده و در صورتی که هر یک از ایشان واجد شرایط مقرر در شرع نباشند، قذف مستوجب حد محقق نشده و تنها جرمی تعزیری تحقق می‌یابد در خصوص مجازات قذف راههای اثبات و اسقاط حد نیز شرایط خاصی مقرر شده که در موادی از ق. م. ا. مورد حکم مقنن جزائی ایران واقع گردیده است. و به همین دلیل مطالبه و یا عفو آن قابل انتقال می‌باشد.

۱-۵-اهداف تحقیق

- آشنایی و معرفی جرائم منصوص شرعی و مبانی فقهی آنها

- بررسی کاربرد منابع فقهی در رابطه با مواد قانونی مصرح در قانون مجازات اسلامی پیرامون مجازات های منصوص شرعی

- شناسایی و آشنایی با سیاست کیفری ایران و تفاوت ها و شباهت های آن با سیاست کیفری در مجازات های منصوص شرعی

- شناسایی مبانی فقهی و قانونی مجازات های منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی و اختیارات قانونگذار در رابطه با آنها

۱-۶- روش تحقیق

با توجه به اینکه در این تحقیق از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است، ابتدا با جستجو در پایگاهها و سایت های اینترنتی و بانک های اطلاعاتی و استنادی همانند پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، تبیان، مگ ایران و سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و سپس با مراجعه به کتابخانه های دیجیتال پیام نور، کتابخانه دیجیتالی دید، کتابخانه دیجیتالی علوم انسانی، کتابخانه مجازی ایران، کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی و برخی کتابخانه ها مانند مرکز اسناد ملی، کتابخانه شهید دستغیب، کتابخانه دانشگاه علوم تحقیقات فارس با استفاده از کلمات کلیدی تحقیق حاضر که شامل: سیاست کیفری، مجازات، مجازات های منصوص شرعی، مبانی فقهی، نظام کیفری ایران می باشد، در بین منابع مختلف با توجه به موضوع انتخابی و تحقیقاتی که انجام گرفته است، ابزار گرد آوری اطلاعات تحقیق فیش برداری می باشد که شامل ترجمه، تلخیص، نقل قول مستقیم و غیر مستقیم است. در فصل های این تحقیق به موضوعاتی مانند مبانی نظری، مفاهیم و جایگاه و کاربرد سیاست کیفری در نظام کیفری ایران و ارتباط واکاوی سیاست کیفری در قبال اراده قانونگذار در رابطه با شناسایی و اجرای مجازات های منصوص شرعی پرداخته می شود. در فصل نتایج موضوعات: واکاوی سیاست کیفری در رابطه با مجازات های منصوص شرعی و مبانی فقهی آن مورد تحقیق قرار می گیرد و به بررسی ارتباط این دو با یکدیگر و اثرگذاری هر یک بر دیگری پرداخته می شود. روش تحقیقات بصورت تحلیلی و توصیفی، از طریق استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی با ابزار فیش برداری می باشد. در فصل

نتیجه گیری به جایگاه مجازات های منصوص شرعی در سیاست کیفری ایران اشاره می شود و فرضیه های تحقیق مورد بحث و نتیجه گیری قرار می گیرد.

۲- مفاهیم و کلیات

۲-۲- بررسی سیاست کیفری جاری در قانون مجازات اسلامی

سیاست کیفری جاری در نظام کیفری ایران مبتنی بر استفاده از موازین شرعی در قانونگذاری و اعمال مجازات می باشد، به همین دلیل در ابتدا قانونگذار ضمن ارائه تعریف از جرم و مجازات در مواد ۱ الی ۲ قانون مجازات اسلامی به اصول سیاست کیفری با تقسیم بندی جرائم و مجازات ها می پردازد، مطابق ماده یک: قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است. همچنین ماده ۲ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود». با نگاهی به این دو ماده می توان فهمید که سیاست کیفری جاری در نظام حقوقی ایران مبتنی بر دو اصل قانونی بودن جرم و مجازات و همچنین اصل برائت می باشد. این دو اصل از این جهت در تحقیق آمده است که با موضوع تحقیق یعنی سیاست کیفری همخوانی دارند و هم از بعد بررسی جنبه های حقوقی تعزیرات منصوص شرعی نیازمند بررسی آنها هستیم. زیرا در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی قانونگذار تنها به نام بردن تعزیرات منصوص شرعی اکتفا می نماید و در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی با اشاره به اصل ۱۶۷ قانون اساسی اینگونه بیان می دارد: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می شود». قبل از بیان هر موضوعی در ابتدا به بررسی چارچوب و ابعاد سیاست کیفری ایران و ارائه تعریف مناسب از سیاست کیفری می پردازیم. زیرا با معرفی سیاست کیفری به خوبی می توان به واکاوی آن که موضوع تحقیق است پرداخت. در واقع سیاست کیفری به اعتقاد برخی محققان مانند مرل و ویتو^{۱۷}: مجموع روش های لازمی است که به قانونگذار پیشنهاد می شود یا این که توسط او در یک زمان و مکان خاص مورد استفاده قرار می گیرد تا بدین طریق بتواند علیه بزهکاری به مبارزه ای جدی پردازد و در ریشه کن کردن و نابودی آن توفیق حاصل کند، به اعتقاد محقق امروزه می توان این سیاست کیفری را در قالب اصل قانونی بودن جرم و مجازات در قانون

^{۱۷} Merle-Vitu

مجازات کیفری به عنوان سیاست کیفری ایران یافت. بنابراین سیاست کیفری قبل از آنکه یک علم باشد، فنی به شمار می‌آید که هدفش کشف و شکل دادن عقلانی و منطقی به بهترین طریق ممکن برای حل مسائل مختلفی است که پدیده کیفری از نظر شکلی و عمقی به وجود می‌آورد. این دو محقق می‌افزایند که در طول هزاران سال، بهترین طریقه حل مسائل عمقی که به وسیله پدیده کیفری ایجاد می‌شد، فقط توسل به زور و استفاده از قدرت بود، در حالی که امروز زور و قدرت جای خود را به شناسایی عمیقی داده است که توسط جامعه‌شناسی کیفری و بیولوژی کیفری و روانشناسی کیفری صورت می‌گیرد. جرم‌شناسی، علم جوان و سرشار از امید و وعده‌های درخشانی که زوایای تاریک پدیده جنایی را روشن می‌کند و از این بعد تشکیل‌دهنده غیرقابل انکار نقطه حرکت هر عمل مطمئنی است که می‌تواند علیه آفت جرم به کار برود. بررسی بزهکاران به صورت، انسانی رفتار کردن با آنها بدون آنکه جسم و روحشان مورد صدمه قرار گیرد، خودداری از اینکه آنان بمانند اشیاء مورد استفاده تجربی قرار گیرند،... روش حقیقی سیاست کیفری است. این مسائل عمقی بدون شک مسائلی از نظر شکلی به وجود می‌آورد، زیرا اجرای روش‌های صحیح و عمیق نیازمند آفرینش دادگاه‌هایی است که بتواند در مورد سرنوشت بزهکاران به احکام صحیحی دست بزند و قادر باشد دادرسی لازم را طوری شکل بدهد که بتواند به صورتی اطمینان‌بخش، قدرت عدالت را در برابر استبداد تضمین نماید و آن را علیه اشتباهات قضایی مجهز گرداند.^{۱۸} پیناتل^{۱۹} در تعریف از سیاست کیفری می‌نویسد که مطالعه روابط بین دو دانش جرم‌شناسی و حقوق جزا، موضوع رشته واسطه‌ای قرار گرفته که یک هماهنگی وسیعی را بین این دانشمندان جزائی و جرم‌شناسان به وجود آورده است. این رشته واسطه که ساختمانش بر مبنای آمیختگی عقاید این دانشمندان پایه‌گذاری شده است، سیاست کیفری نام دارد.^{۲۰} در حقیقت سیاست کیفری، شامل مجموعه شیوه‌هایی سرکوبی می‌شود که دولت از طریق آنها و با توسل به آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد.^{۲۱} بنظر محقق بهترین نمود سیاست کیفری ایران را می‌توان در ماده نخست قانون مجازات اسلامی یافت. مطابق ماده یک قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به جای تعریف مجازات اشعار می‌دارد: «قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازاتهای حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است». مجازات در لغت به معنای جزا دادن، پاداش و کیفر آمده است و در

^{۱۸} Merl et vitu, Traite de droit Criminel Paris ۱۹۶۷, p. ۷.

^{۱۹} به نقل از مظلومان، رضا، سیاست کیفری چیست؟ مجله حقوق مردم، شماره ۲۹-۳۰، ص ۴۸.

^{۲۰} لازرژ، کرسنتین، درآمدی به سیاست جنایی، مترجم نجفی ابراباندی، علی حسین، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۴.

^{۲۱} J. Pinatel

اصطلاح حقوقی تعاریف متفاوتی از مجازات آمده است: «مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود. مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیر قابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب(سختی) است که مشخصه حقیقی مجازات می‌باشد و یا «مجازات واکنش جامعه علیه مجرم» است. مجازات یا کیفر به معنای این است که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی یا عرف و عادت آن جامعه یا خلاف قانون انجام دهد چون آن عمل بد است پس باید عقوبت و پاداش آن عمل را ببیند یعنی تنبیه شود و یا مجازات شود تا هم خود و هم دیگران متنبه شوند و دیگر آن عمل را انجام ندهند و همچنین تعزیر یعنی کیفری که در شرع از حیث مقدار مشخص نیست بر خلاف حد که مقدار آن معلوم است^{۲۲}. در کل می‌توان بیان نمود؛ مجازات یا کیفر به معنای این است که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی انجام دهد باید مجازات عمل خود را ببیند یعنی تنبیه شود تا هم خود و هم دیگران متنبه شوند و دیگر آن عمل را انجام ندهند. یعنی باید مشقت آن عمل را بچشد و متوجه شود نتیجه آن عمل بد چیست. حال قانونگذار در قانون به ازای هر عمل بد و خلاف که بیان کرده تنبیهی هم بیان کرده است که به آن تنبیه، مجازات و به آن عمل بد جرم می‌گوئیم. به بیان ساده و عامیانه می‌گوئیم اعمالی که ممنوع است و اشخاصی نباید آن را انجام دهند و برای جامعه خطر دارد و حتی برای از بین بردن آرامش مردم و فراتر از آن برای مراودات اجتماعی مردم با مردم و مردم با جامعه و جامعه با مردم و دولت با مردم و مردم با دولت حتی روابط بین‌المللی و روابط فرهنگی و اجتماعی و روابط اقتصادی و... خطر دارد چنانچه هر شخصی آن عمل مجرمانه را مرتکب شود با توجه به اینکه میزان مجازات آن عمل نیز پیش بینی شده است مجازات می‌گردد. به طور کلی می‌توان گفت که سیاست کیفری دارای دو تعریف مضیق و موسع می‌باشد:

۲-۲-۱- معنای مضیق سیاست کیفری

تعریف مضیق از سیاست کیفری، بر پایه ی برخورد قدیمی و سنتی با جرم بنا گردید. در این تفکر، نظام کیفری برای مبارزه با جرم کفایت می‌کرد. در این دیدگاه سیاست کیفری عبارت است از: سیاست های اتخاذی در قبال جرم که منحصر به برخورد کیفری از طریق سیستم قضایی است. از آنجا که دستگاه قضایی نهادی دولتی می باشد، «دولتی بودن» در این سیاست، امری ضروری است. همچنین مبارزه با انحراف، مشمول این سیاست نیست؛ زیرا سیستم کیفری تنها صلاحیت

^{۲۲} Pinatel, La Criminologie Paris ۱۹۶۰. p. ۱۵.

رسیدگی به «جرایم» را دارد. سیاست کیفری تنها، برخوردی حقوقی با پدیده‌ی جنایی است و ابزار آن مجازات و اقدام‌های تأمینی و تربیتی است.

۲-۲-۲- معنای موسع سیاست کیفری

سیاست کیفری در معنای موسع، تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین تفکر سیاست کیفری، کلیه‌ی تدابیری است که در مقابله‌ی با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود.^{۲۳} در مفهوم اخیر سیاست کیفری در قلمرو وسیع تری به نام «سیاست عمومی» یک کشور به شمار می‌آید. بدین معنا که قوای عمومی یک دولت در سطوح بالا و نه صرفاً سازمان‌های قضایی و پلیسی آن بلکه، در برنامه‌ریزی و اجرای آن نیز شرکت دارند. با توجه به مولفه‌های تعریف فوق از یک سو و گستردگی قلمرو حقوق کیفری از سوی دیگر، باعث شده است که امروزه، به برداشت فویر باخ از سیاست جنایی، تعبیری مضیق یا به اصطلاح همان سیاست کیفری در معنای خاص، اطلاق گردد. جرم اولاً تنها پدیده‌ای است که این ابزارها به مقابله با آن می‌پردازند. ثانیاً تعریف و حد و مرز جرم را نیز قانونگذار مشخص نموده است. بنابراین سایر رفتارهای منحرفانه، هرچند که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی مذموم هم باشند از این تعریف خارج می‌گردند. موضوع مبهمی که در سیاست کیفری ایران بدان می‌پردازیم، همین مبهم بودن تعزیرات منصوص شرعی است، زیرا تعزیرات منصوص شرعی را قانونگذار نه در دسته بندی ماده یک قراردادده است و نه حتی در دسته بندی جرائم حدی و قالبی تفکیکی و مجزا برای این جرائم تعیین نموده است که هم مغایر با اصل برائت است و هم مغایر با اصل قانونی بودن جرم مجازات که در مباحث بعد بدان خواهیم پرداخت.

۲-۳- سیاست کیفری جاری در فقه امامیه

مبارزه با جرم و انحراف، یکی از اهداف همه‌ی انبیاء بوده است. پیشگیری از جرم و مبارزه با رفتار منحرفانه و ناهنجاری‌های اجتماعی، جایگاه والا و ارزشمندی در آموزه‌های اسلامی دارد. اهمیت این امر تا جایی است که یکی از برنامه‌های همه‌ی انبیاء مقابله با ظالم و متجاوز و یاری رساندن به اشخاص ضعیف است. در قرآن کریم نیز لیستی از عناوین مجرمانه ذکر شده و ضمانت اجرا و مجازات این اعمال مشخص گردیده است. این عناوین عبارتند از: افساد، کفر، شرک، ظلم، عصیان و معصیت و عدوان، فحشا، اثم، ذنب، قته، منکر، جرم، جناح، اسراف، خطا، فسق، مکروه،

^{۲۳} قیاسی، جلال‌الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، صص ۴۰-۴۱.

طغیان وزر، حنث، فجور، که بالغ بر صدها آیه را شامل می شوند^{۲۴}. قطعا مکتبی که علاوه بر ضمانت اجرای دنیوی، به ضمانت اجرای اخروی در قبال ارتکاب اعمال پرداخته و پیامبر هدف خود را تکمیل کرامت های اخلاقی می داند. نمی تواند نسبت به مبارزه با پدیدهایی چون جرم و انحراف ساکت باشد^{۲۵}. قرآن کریم با طراحی یک سیاست فراگیر، به مبارزه با جرم برخاسته است. این کتاب آسمانی انسان را به عنوان اشرف مخلوقات و دارای استعدادهای فوق العاده معرفی کرده است؛ سپس برای شکوفا شدن این استعدادها، آموزه های متعددی در جهت تربیت روحی و معنوی ارائه داده است. توجه و به کارگیری این دستورات، نه تنها موجب تعالی انسان، بلکه در وهله ی نخست موجب پیشگیری از اعمال مجرمانه و گناه آلود می گردد. آموزه های پیشگیرانه ی قرآنی، شامل آموزه های اعتقادی، آموزه های اخلاقی و آموزه های احکامی است. در دسته ی نخست، با تبیین مسأله ی حیات و معتقد نمودن انسان به مبداء و آفرینش، او را از ارتکاب رفتارهای خلاف منزلت انسانی و از تجاوز به حقوق دیگران بر حذر می دارد.

یکی از مهمترین اعتقادات بازدارنده از ارتکاب گناهان و جرایم، باور به علم و آگاهی نامحدود خداوند به همه ی موجودات و از جمله انسان و اعمال و رفتار اوست. از نظر قرآن، همه ی موجودات در محضر خداوند قرار دارند و هیچ چیزی در آسمان و زمین بر خدا مخفی و پنهان نیست. انسان نیز به عنوان جزئی از عالم هستی، تحت نظارت و احاطه ی علمی خدای متعال قرار دارد. علاوه بر اعمال و رفتار ظاهری انسان، افکار، نیات، خطورات قلبی و حدیث نفسی او نیز برای خداوند معلوم و مشهود است. آموزه های قرآن، شامل قوانین و مقررات ویژه ای است که هدف از آن، متعادل ساختن افراد و جامعه و طرد زمینه های جرم زا می باشد. این احکام در قالب واجبات و محرمات مطرح شده است که یکی از واجبات، نماز است که در قرآن به عنوان جلوگیری کننده از فحشا و منکر بیان شده است. قرآن کریم سیاست پیشگیری فراگیر و واقع بینانه ای را در این زمینه ارائه داده و این همان دیدگاه و نتیجه ای است که امروز جرم شناسان و حقوقدانان، پس از سال ها بحث و جدل بدان دست یافته و رسماً اعلام کرده اند که برای مبارزه با جرایم، باید از همه ی روش های پیشگیری در کنار هم استفاده کرد و همه ی آنها مکمل یکدیگرند^{۲۶} از سویی در قرآن برای تنبیه بزهکاران و متخلفین، حاکم اسلامی می تواند انواع مجازات های متناسب با جرایم ارتكابی، نظیر زندان، جریمه مالی، تبعید، نگه داری در مراکز تامینی

^{۲۴} عظیم زاده اردبیلی، فائزه و حسایی، ساره، پیشین، ص ۱۲۴.

^{۲۵} قیاسی، جلال الدین، پیشین، ص ۵۶.

^{۲۶} صفاری، علی، مبانی نظری پیش گیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰، صص ۳۱۳-۳۱۴.

و تربیتی، محرومیت از مشاغل دولتی، تعطیلی مراکز فعالیت و کار و نظایر آن را بر حسب شرایط زمان و مکان و توانایی‌های اشخاص، تعیین نماید. در غالب کتاب‌های فقهی کیفرهای تعزیری در شکل تازیانه منعکس گردیده است. که از نظر حداقل، مقدار معین ندارد و حداکثر آن باید کمتر از مقدار حد باشد. یا در مواردی تعزیر از پایین‌ترین مرتبه حد شرعی (۷۵ تازیانه) نیز باید کمتر باشد. تعزیر در جرایمی که با جرایم دارای حد شرعی مانند زنا و قذف، تناسب دارد، باید کمتر از حد آن باشد، مانند بوسیدن یا عملی به جز آمیزش با زن اجنبی که با زنا تناسب دارد یا ناسزاگویی که با قذف تناسب دارد. به صورت کلی در مکاتب الهی شیوه‌های تربیتی نیز علاوه بر مجازات‌ها مورد تأکید بوده است. در اوایل قرن نوزدهم با تغییر نگرش به پدیده مجرمانه در اروپا، عوامل وقوع جرم مورد توجه قرار گرفت و مکاتب جرم‌شناختی و دفاع اجتماعی نظریات مربوط به جرم و مجرم را ابراز نمودند. به طور کلی می‌توان گفت در سیاست جنایی اسلام سه شیوه مبارزه علیه بزهکاری وجود دارد که مکمل یکدیگر هستند. این مراحل سه‌گانه عبارت‌اند از:

الف: مرحله قبل از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم؛

ب. مرحله پس از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه؛

ج. مرحله پس از اجرای فکر مجرمانه و تحقق بزه‌کاری.

۲-۴- بررسی اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل برائت در نظام کیفری ایران

انتخاب این دو اصل از طرف محقق به این دلیل است که تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی تنها اقدام به نام بردن از تعزیرات منصوص شرعی نموده است و ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی نیز تنها به نام بردن رجوع قاضی به منابع فقهی اکتفا نموده است که این موضوع در جاری شدن سیاست کیفری ایران ممکن است ایجاد ابهام نماید، زیرا مطابق تعریف ارائه شده در نظام کیفری ایران مبتنی بر سیاست کیفری جاری در نظام کیفری ایران و سیاست کیفری فقه امامیه؛ جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است^{۲۷} و در اصطلاح، علی‌رغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت بدست نیامده تا از جرم، آنچنان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز اینست که پدیده جرم از منظر دانشمندان و محققان دارای مبانی و صور گوناگون بوده، به سخنی دیگر، آنچه که از نظر یکی جرم

^{۲۷} سیاح، احمد، فرهنگ جامع عربی، فارسی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۴.

محسوب می‌شود بر حسب دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان دارد که حتی عملی پسندیده به شمار آید.^{۲۸}

برخی جرم را جریمه، اثم و بزه دانسته‌اند. فعل یا ترک مخالف نهی الزامی که قانون بر آن کیفری نهاده باشد و عناصرش از قرار ذیل است: الف-پیش از آن فعل یا ترک فعل، قانون صریحاً آن را جرم شمرده باشد (اصل قانونی بودن جرم و مجازات) پس ابداع جرم به استنباط و تفسیر قانون، اثری ندارد. ب-فعل یا ترک معین ج-عمد (سوء نیت) در جرم خطایی سوء نیت نیست.^{۲۹}

۲-۵- بررسی اصل قانونی بودن جرم و مجازات در نظام کیفری ایران

یکی از اصول اولیه و مسلم حقوق جزا، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها می‌باشد و منظور از این اصل به طور خلاصه اینست که:

الف: هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن به این صفت شناخته شده باشد؛

ب: هیچ مجازاتی ممکن نیست مورد حکم قرار گیرد مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن برای همان جرم وضع شده باشد؛

پ: هیچ محکمه‌ای صالح برای رسیدگی به جرمی نیست مگر آنکه قانون، صلاحیت آن محکمه را برای رسیدگی به آن جرم شناخته باشد؛

ت: هیچ حکمی از محکمه صالح علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه، آنهم در شرایط پیش بینی شده در قانون صورت گیرد.

به نظر می‌رسد این اصل خود جزئی از اصل قانونی بودن حقوق جزا است و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ممکن است این توهم را به وجود آورد که این اصل فقط در حقوق جزای ماهوی مؤثر و در سایر قسمت‌ها از جمله آیین دادرسی کیفری تأثیری ندارد در حالی که در آیین دادرسی کیفری هم اقدامات و رسیدگی‌ها و سایر موارد باید طبق مقررات و اصول قانونی باشد.

^{۲۸} شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، چاپ دوازدهم، ج اول، تهران، نشر زوین، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳.

^{۲۹} جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۰، ص ۲۵۳.

۲-۶- بررسی اصل برائت در نظام کیفری ایران

برائت در لغت به معنای پاک شدن از عیب و تهمت، تبرئه شدن، خلاص شدن از قرض و دین، رها شدن، اجازه، حواله، رهایی، خلاصی، بیزاری، دوری، پاکی است. و اصل برائت در حقوق بدین معنی است که، باید بنا را بر بی‌گناهی افراد گذاشت تا این‌که با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم کسی در یک مرجع صالح قانونی ثابت شود.^{۳۰} اصل برائت یا فرض بی‌گناهی، از بنیادی‌ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی عادلانه و منصفانه در نظام‌های نوین دادرسی کیفری است. با استناد به این اصل، هر امری که توجه آن به شخص مستلزم نوعی زحمت یا زیان یا سلب آزادی یا ایجاد مضیقه باشد، در صورتی که توجه آن به شخص محل تردید باشد؛ باید شخص را از کلفت و زحمت مبرا نمود، زیرا بدون دلیل قاطع، تحمیل کیفر به اشخاص روا نیست.^{۳۱} اصل برائت که مبین و متضمن حسن نیت به رفتار اجتماعی دیگران و پرهیز از بدگمانی و سوء ظن به افراد و احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی است منحصر به مرحله دادرسی و صدور حکم نمی‌شود؛ بلکه مرحله تحقیقات مقدماتی پلیس و نیروی انتظامی، مرحله تعقیب و کشف جرم در دادسرا را نیز دربر می‌گیرد. اگرچه عدالت حقوقی اقتضاء می‌نماید که در صورت عدم وجود دلیل، برائت و بی‌گناهی متهم مورد حکم قرار گیرد؛ اما در موارد خاصی مصالح عمومی ایجاب می‌کند که اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم گردد. در این صورت، روند دادرسی تغییر کرده و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم زایل می‌گردد. عدول از اصل برائت عمدتاً در مواردی مطرح می‌شود که: اولاً؛ ارتکاب جرم موجب صدمه شدیدی به جامعه شده و یا تهدیدی جدی علیه آن تلقی گردد. ثانیاً؛ اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی، امکان پذیر نباشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و هفتم به طور صریح اصل برائت را متذکر شده و بیان می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». همچنین دیگر اصول قانون اساسی همچون مواد ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ نیز بیانگر پذیرش آثار اصل برائت به شمار می‌روند. در قانون‌آیین دادرسی مدنی نیز در ماده ۱۹۷ چنین آمده: «اصل برائت است. بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد، باید آن را اثبات کند».^{۳۲}

^{۳۰} وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی؛ تهران، مجد، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶.

^{۳۱} جعفری لنگرودی، محمد؛ ترمینولوژی حقوق، پیشین ص ۴۹.

^{۳۲} سرسمت بناب، باقر؛ اصل برائت در حقوق کیفری، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱.

۲-۷- تقسیم بندی مجازات ها در نظام کیفری ایران

با رجوع به متن ماده یک قانون مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود قانونگذار صراحتاً بیان نموده است: «قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسؤولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است. اما قانونگذار برای رفع هرگونه ابهام در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی چنین اشعار می‌دارد: «مجازات های مقرر در این قانون چهار قسم است: الف- حد ب- قصاص پ- دیه ت- تعزیر، سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که تعزیرات منصوص شرعی در کدام دسته بندی قرار می‌گیرد؟ اولین موضوع این است که در ابتدای نوع مجازات از اصطلاح تعزیر استفاده شده است. تعزیر در حقوق کیفری ایران عبارت از مجازاتی است مادون حد شرعی. به عبارت دیگر تعزیر کیفری است برای جرائمی غیر از آنهایی که در حقوق جزای اسلامی برای آنها حد، قصاص و دیه در نظر گرفته شده است. تعزیر در شرع از حیث مقدار مشخص نیست و در فقه به کیفری گفته می‌شود که برخلاف حد، قانونگذار اندازه‌ای برای آن تعیین نکرده باشد و تعیین آن به صلاح‌دید قاضی می‌باشد (تعزیر باید کمتر از حد باشد). تعزیر در لغت به معنای تعظیم، تأدیب، نصرت و منع می‌باشد.^{۳۳}

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعزیر را اینگونه تعریف نموده است: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی».

در قانون مجازات اسلامی حد چنین تعریف شده است: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است». شرایط عمومی اجرای حدود نیز در اینجا بیان می‌گردد؛ در شریعت مقدس اسلام تنها انسان مکلف دارای مسؤولیت کیفری است و شخص اگر دارای شرایط عامه تکلیف (بلوغ، عقل، اختیار، علم به حرمت عمل ارتکابی) باشد در

^{۳۳} دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ذیل واژه تعزیر.

صورت ارتکاب جرم مجازات بر او اعمال می‌شود و این شرایط در کلیه جرائم شرعی ضروری است. در نظام کیفری اسلام برای اثبات مسئولیت کیفری تنها وقوع جرم کافی نیست. بلکه تحقق مسئولیت کیفری منوط به آن است که عمل مجرمانه ناشی از اراده انسان، عاقل، بالغ و ممیز باشد و احراز وجود این شرایط در نزد مرتکب جرم در حقوق جزای اسلام تحت، عنوان «شرایط عامه تکلیف» ضروری است.^{۳۴} برای درک بهتر مجازات تعزیری از مجازات حدی در سیاست کیفری ایران به بررسی تفاوت های اصلی حد و تعزیر می‌پردازیم:

الف- تعزیرات کیفرهای نامعین هستند، اما حدود مجازات معین و منصوص بر اساس کتاب و سنت می‌باشند. همچنین حد مقدار معین دارد ولی تعزیر مقدار معینی ندارد، مگر در چند مورد. مثلاً کسی که آشکارا روزه خواری کند، ۲۵ ضربه شلاق دارد.

ب- بر خلاف حد، مقدار و کیفیت تعزیر در صلاحدید حاکم شرع (قاضی) است.

پ- در تعزیر شخصیت مجرم وضع روحی و جسمی و زمان و مکان دخالت دارد، در صورتی که حد تابع صدق عنوان است. تعزیر تابع مفسده است، اگر چه کار او معصیت نباشد؛ مانند تعزیر طفل یا دیوانه، اما حد مجازاتی است که بر خود گناه است.

ت- در تعزیر، امید به اصلاح و تأدیب مجرم شرط است، اما فلسفه اجرای حد دفاع از مصالح بنیادین جامعه است.

ث- تعزیر با توبه ساقط می‌شود، در حدود اختلاف نظر است، ظاهر سقوط آن است در اثر توبه قبل از رسیدن نزد حاکم و قیام بینه. حد، حق الله است، اما تعزیر منحصر به حق الله نیست. مثلاً کسی که سد معبر کند، حاکم می‌تواند او را تعزیر نماید.

ج- تعزیر قابل شفاعت است، اما در حد وساطت و شفاعت ممنوع است.

چ- در تعزیر، حاکم اسلامی حق عفو دارد ولی در حد چنین حقی ندارد.^{۳۵}

تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، برای یک عمل معین نوع و مقدار کیفر مشخص شده باشد، بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر، بطور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر گردیده است و نوع و مقدار آن معین نشده است، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود. با این توصیف به نظر بنده به تعزیرات قانون

^{۳۴} ولیدی، محمد صالح؛ حقوق جزا، مسئولیت کیفری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۹۲.

^{۳۵} زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۸.

مجازات قدیم تعزیرات منصوص شرعی و تقریباً به مجازات های بازدارنده مقرر در قانون مجازات ۱۳۷۵ تعزیرات غیرمنصوص شرعی می‌گوییم. مثال برای تعزیرات منصوص شرعی: کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت تعزیری، رشاء، ارتشاء، تصرف عدوانی و انتقال مال غیر. مثال برای تعزیرات غیرمنصوص شرعی: جرایم صدور چک پرداخت نشدنی، نقض مقررات و نظامات مربوط به رانندگی، اعمال نامشروع و سرقت تعزیری چون در زمان پیامبر حرام بوده هر دو تعزیر منصوص شرعی می‌باشند.

لذا به اجمال و تنها به صورت اشاره وار به آن پرداخته که در نتیجه تنها باعث سردرگمی قضات و اصحاب دعوا می‌گردد همانند این مورد در بحث ارتداد نیز مطرح است. در بحث ارتداد نیز از سویی برخلاف لایحه اولیه قانون مجازات که ارتداد را جزء حدود مطرح کرده بود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آن را حذف نمود اما در ماده ۲۲۰ ق.م.ا دست قاضی را با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی در جرم انگاری و تعیین مجازات برای ارتداد باز گذاشته است.

۴- سیاست کیفری ایران پیرامون جرم ومجازات

۴-۱- سیاست کلی نظام کیفری ایران پیرامون مجازات جرائم

سیاست کیفری ایران به پیروی از دین اسلام را باید یکی از منظم ترین و پایدار ترین نظام های کیفری در تاریخ بشر دانست زیرا بسیاری از موازین و چارچوب های کیفری و حقوقی آن توسط قرآن و سنت پایه گذاری شده است و سپس توسط فقها و علمای اسلامی در جامعه نشر و گسترش یافته‌اند. هرچند در باب بسیاری از موضوعات بین فقها و علمای اسلامی اختلاف سلیقه و نظر وجود دارد اما در کل می‌توان بیان نمود که در حقوق جزای اسلامی به فطرت انسانی توجه زیادی شده و آن را پاک و منزّه می‌داند چرا که می‌گوید: « وَنَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي » در آن از روح خود بدمم (سوره حجر، ایه ۲۹). و از آنجائی که کمال جوئی در فطرت انسان گنجانیده شده می‌بایست عدالت مطلق را که در قرآن مجید کراراً از آن یاد شده، بر جهان حکمفرما کنند تا به مقصود برسند (سوره انعام، ایه ۱۵۱). و این عدالت تنها از طریق حاکمیت اسلام بر جهان امکان پذیر است. در حاکمیت اسلام، برای ارشاد مجرمین راههای گوناگونی در نظر گرفته شده ولی گاهی اوقات در آخرین مرحله، اسلام این اجازه را داده است که مجرمین را به کیفر اعمال خود برسانند. بطور کلی اهداف مجازات از نظر قرآن مجید به شرح زیر است:

۱. اصلاح مجرمین به وسیله تهذیب نفوس ودوری از گناه از طریق توبه: « پس هرکه بعد از ستمی که کرده، توبه نمود و کار خود را اصلاح کرد، از آن پس خدا او را خواهد بخشید که خدا بخشنده و مهربان است » (سوره مائده، ایه ۳۸).

۲. ارباب دیگران دومین هدف مجازات، از نظر حقوق جزای اسلامی، ارباب دیگران به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم است: « بگو روی در زمین سیر کنید تا بنگرید که عاقبت کابداران به کجا کشید و چگونه همه هلاک شدند (سوره نمل، ایه ۶۸)

۳. جلوگیری و پیشگیری از ارتکاب جرم دین اسلام از طریق قرارداد مراحل مختلف، سعی و کوشش در جلوگیری و پیشگیری از ارتکاب جرم دارد: « مردان زنان مومن همه یار و دوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو وادارد و از کار زشت منع کن ». بنابراین قرارداد امر به معروف و نهی از منکر موجبات جلوگیری از ارتکاب جرم را فراهم می‌سازد.

همانگونه که بالا بیان گردید قرآن تنها به اصول و قواعد مجازات می‌پردازد و همین امر تبدیل به یکی از مسائل و مباحث مهم در بین فقها و در موارد زیادی حقوقانان شده است به نحوی که مسأله قابل اجرا بودن مقررات جزایی شرعی، همواره میان فقها و حقوقدانان مورد بحث بوده است. درباره‌ای از موارد از سوی مقنن تحریمات شرعی معادل جرم انگاری تقنینی اعتبار شده است. در موارد دیگری با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، منحصرأ رفتارهای ممنوع که در قانون به آنها تصریح شده است، ملاک و مبنای مجازات شناخته شده است.

۴-۳- قواعد و چارچوب جرائم منصوص شرعی در قانون مجازات و انطباق

آن با موازین شرعی

تعزیر، یکی از انواع مجازات های پذیرفته شده در فقه است. بسیاری از فقیهان براین عقیده‌اند که ترک واجبات الهی و ارتکاب هرکدام از گناهان، مستوجب تعزیر است مشروط براینکه حد شرعی نداشته باشد (در ادامه به دیدگاه برخی از این فقها می‌پردازیم)؛ البته کیفیت و میزان این مجازات تا حدود زیادی در اختیار قاضی قرار گرفته و ایشان بسته به شرایط خاص در اجرا و میزان آن مخیر است، البته این اختیار تام نبوده و می‌توان آن را تابعی از اصل قانونی بودن جرم و مجازات دانست. به دنبال تصویب قانون جدید مجازات اسلامی و ارسال آن به شورای نگهبان جهت انطباق مصوبه ی مجلس با قانون اساسی و شرع، از جمله مواردی که بخش عمده ای از ایرادات شورا را به خود اختصاص داد خلاف شرع بودن مواد پیشنهادی به دلیل

اطلاقی است که شمول تعزیرات منصوص شرعی را هم در پی داشته است؛ ایرادی که شورا در ذیل بند ۲ ماده ۷، بندهای ۱ و ۲ ماده ۸ و مواد ۱۱۵ و ۱۰۴، ۹۲، ۹۱، ۴۵، ۴۴، ۳۹، ۳۸، ۲۷ به طرح آن پرداخته است.^{۳۶}

به عبارت دیگر شورای نگهبان شمول احکام مختلف قانونی نسبت به تعزیرات را از آنجا که واژه تعزیرات اطلاق دارد و شامل تعزیرات منصوص شرعی نیز می‌شود، خلاف شرع تشخیص داد و براین نکته تأکید نمود که آزادی‌های تقنینی که در مورد تعزیرات قابلیت اجرا دارد و باز بودن دست قانون‌گذار در تقنین در حیطه‌ی تعزیرات، شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود؛ بنابراین نباید اختیاراتی که برای قضات در خصوص تعزیرات وجود دارد، نسبت به تعزیرات منصوص شرعی نیز اعمال گردد.^{۳۷}

دیگر اینکه یکی از شرایط اعمال مجازات حدی منوط به مکلف بودن شخص مرتکب می‌باشد که این موضوع در ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مورد عنایت قانونگذار نیز قرار گرفته است، حال آن که در جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی، مصادیقی است که حکایت از قابلیت اعمال آن بر شخص غیرمکلف دارد، برای مثال می‌توان به جرم موضوع ماده ۲۵۳ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که اگر فرد نابالغ به دیگری نسبت زنا یا لواط دهد تعزیر می‌شود. همچنین برای جرایم تعزیری منصوص شرعی فقط مجازات شلاق پیش‌بینی شده، اما در جرایم حدی علاوه بر مجازات شلاق، به مجازات‌های دیگری نظیر قطع عضو (ماده ۲۶۸)، صلب، تبعید و اعدام (ماده ۲۸۲) نیز اشاره شده است.

اما در حقیقت در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی انتقاد جدی براین رویکرد قانونگذار در استثناء نمودن تعزیرات منصوص شرعی از دیگر تعزیرات در اعمال مقررات تعویق‌صدور حکم، معافیت از کیفر، تعلیق اجرای مجازات، مرور زمان و... وارد است، دراین باره، عدم تعیین ضابطه از سوی قانونگذار برای تشخیص تعزیرات منصوص شرعی از غیر آن است. بی‌تردید خلاء این امر تشتت و اختلاف دیدگاه و آراء را در بین حقوقدانان و محاکم بوجود می‌آورد و این بار هیأت‌های عمومی دیوان عالی کشور و کمیسیون‌های اداره حقوقی را درگیر ایجاد وحدت رویه و پاسخگویی دراین زمینه می‌کند. در حقیقت قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی تعزیرات منصوص شرعی را از شمول بسیاری از مقرراتی که برای مجازات‌های تعزیری

^{۳۶} الهام، غلامحسین و محسن برهانی، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۲۸۸.

^{۳۷} برهانی، محسن و نادری پور، مریم، «تعزیرات منصوص شرعی: مفهوم فقهی و مصادیق قانونی»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۱۳۹۴، ص ۹۰.

در نظر گرفته شده، خارج نموده است و در واقع برخوردی همانند جرایم حدی باین دسته از جرایم داشته باین تفاوت که صراحتاً این نوع مجازات را از مجازات های حدی تفکیک نموده است، بدون اینکه مصادیق آن را روشن نماید و یاینکه به روشنی مشخص نماید که این مجازات ها در کدام دسته بندی مقرر در قانون مجازات اسلامی می گنجد به نحوی که اگر قابلیت اجرایی آن را بخواهیم با جرائم حدی یا تعزیری مقایسه نمایم باسیاست کیفری قانونگذار و شارع، عملاً مجازات منصوص شرعی همان مجازات حدی است که فقها نوع و میزان و اجرای آن را به صورت احصایی برای هر مجازات، در رابطه با نوع خاصی از جرائم تبیین و تعیین نموده اند.

۴-۴- ابهامات امکان رجوع به منابع شرعی در مجازات منصوص شرعی

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۲۲۰ به دادگاهها این اجازه را داده است که در مورد «حدودی که در این قانون ذکر نشده است» طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی عمل کنند. در واقع ماده مزبور صراحتاً اعلام داشته است که صدور رأی کیفری از جمله محکومیت به تحمل کیفر آن هم به استناد منابع فقهی و فتاوی معتبر (بدون داشتن نص قانونی) صرفاً در خصوص «حدودی که در این قانون ذکر نشده است» مجاز می باشد. از سوی دیگر در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ اعمال برخی احکام قانونی (از قبیل مرور زمان، تعویق صدور حکم، معافیت از کیفرهای خفیف، تعلیق اجرای مجازات و...) نسبت به «تعزیرات منصوص شرعی» را ممنوع می داند. مضافاً اینکه در ماده ۱۳۵ نیز با اصطلاحی مشابه، در موارد تعدد جرم، اجرای «تعزیر معین شرعی» را بر اجرای حد و قصاص مقدم داشته است. این رویه در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ نیز ادامه یافته و قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۴ این قانون جرائم موجب «تعزیرات منصوص شرعی» را از مقررات مرتبط با منافع ممکن الحصول و پرداخت خسارت معنوی مستثنی کرده است. قانونگذار در این مواد مفاهیمی را بیان کرده و تشخیص مصادیق آنها را بر عهده مقامات قضایی نهاده است. مقامات قضایی به هنگام تشخیص مصادیق «حدود غیر مذکور» و «تعزیرات منصوص» ممکن است با ابهامات بسیاری مواجه شوند. چرا که در متون فقهی، بر پایه روایات وارد، برای برخی جرائم مانند ارتداد (اعدام)، سحر (اعدام)، بدعت گذاری (اعدام)، نزدیکی با همسر در ماه رمضان (۲۵ شلاق)، ازاله بکارت با انگشت (۳۰ تا ۷۷ یا ۱۰ شلاق)، حضور برهنه دونفر همجنس زیر پوشش واحد (۳۰ تا ۹۹ شلاق)، حضور همزمان دو نفر غیر همجنس زیر پوشش واحد (۱۰ تا ۹۹ شلاق) و طی (۲۵ یا ۱۰۰ شلاق)، مجازات های مقدر و معینی در نظر گرفته شده است. حال اگر ملاک تفکیک حد از تعزیر،

تعاریف ارائه شده در قانون مجازات اسلامی باشد و بخواهیم به سادگی بگوییم طبق ماده ۱۵ «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجراء آن در شرع مقدس، تعیین شده است» و تعزیر نیز «مجازات است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نبوده و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد» (ماده ۱۸) باز هم این مشکل باقی است که اگر مقصود از تعزیرات منصوص شرعی، آنهایی است که موجب و نوع و میزان آنها در شرع تعیین شده است آن گاه تفاوت آنها با حدود در چیست؟

هر آنچه مقام قضایی آن را از مصادیق حدود غیرمذکور تشخیص دهد، به استناد ماده ۲۲۰ ق.م.ا. و اصل ۱۶۷ قانون اساسی، می تواند بدون وجود نص قانونی، مرتکبین را به کیفرهای شرعی محکوم نماید. همچنین هر آنچه را مقام قضایی از مصادیق تعزیرات منصوص شرعی تشخیص دهد باید مرتکبین آنها را از بسیاری از نهادهای ارفاقی مانند مرورزمان، تعلیق، تعویق صدور حکم و... محروم نماید. لذا تفسیر این مفاهیم ارتباط بسیار تنگاتنگی با حقوق و آزادی های شهروندان و اصل قانونی بودن جرم و مجازات پیدا می کند. مضافاً اینکه با تشخیص «حدی» یا «تعزیری» بودن هر جرم آثار مهم دیگری نیز مترتب است که از جمله آنها می توان به حکم تعدد و تکرار جرم (مواد ۱۳۱ تا ۱۳۹ ق.م.ا.) و نیز وضعیت مجازات افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال (ماده ۹۱) اشاره نمود.^{۳۸}

۴-۶- قاعده استثنایی پیرامون جرائم منصوص شرعی در قانون مجازات اسلامی

با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، امکان اعمال نهادهای زیر در مورد تعزیرات منصوص منتفی است: پذیرش احکام صادره توسط محاکم خارجی (موضوع بند ب ماده ۷ و بندهای الف و ب ماده ۸)، محاسبه ی مدت بازداشت موقت در حکم نهایی (موضوع ماده ۲۷)، معافیت از مجازات در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت (موضوع ماده ۳۹)، تعویق صدور حکم (موضوع ماده ۴۰)، معافیت از مجازات در صورت رعایت شرایط در مدت تعویق صدور حکم و پس از سپری شدن مدت تعویق (موضوع ماده ۴۱)، تعلیق مجازات (موضوع ماده ۴۵)، تخفیف و تعلیق و تعویق مجازات جرایم ارتكابی توسط اطفال (موضوع مواد ۹۳ و ۹۴)، مرور زمان تعقیب و صدور حکم (موضوع ماده ۱۰۵) و

^{۳۸} رحمانیان، حامد و حبیب زاده، محمدجعفر، «معیار تفکیک حدود غیرمذکور از تعزیرات منصوص در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۷، شماره ۱۳۹۲، ص ۸۴، ۱۰۵.

سرانجام تأثیرگذاری توبه در سقوط مجازات (موضوع ماده ۱۱۵)^{۳۹}. بنابر آن چه گفته شد محکمه خارجی صرفاً شامل کشورهای متعاقد با ایران که معامله متقابل دارند نمی شود بلکه مطلق کشورهای غیرخصم را در بر می گیرد. مطابق، ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی، در جرایم تعزیر منصوص شرعی، قاضی نمی تواند مرتکب این جرایم را همچون مرتکب جرایم حدی، به طور کلی از مجازات معاف نماید، همین طور مطابق با قانون ایران مرتکبین جرایم با مجازات های حدی یا تعزیر منصوص شرعی اگر در خارج کشور محکوم به مجازات شوند احکام صادره خارجی تأثیری به حال مرتکب ندارد لذا چنانکه در ایران یافت شوند توسط محاکم ایرانی مجدداً محاکمه و مجازات خواهند شد که تحقیقاً مبتنی بر مبانی خاصی است که در ذیل به آن پرداخته شده است.^{۴۰}

به صراحتی که در مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی آمده است احکام صادره محاکم خارجی در خصوص جرایم ارتكابی توسط ایرانیان در خارج از کشور دارای اعتبار است و این مرتکب مجدد در ایران محاکمه، مجازات نخواهد شد، مستفاد از این حکم قانونگذار راجع به جرایم موجب تعزیر و سکوت قانون در خصوص دیگر مجازات ها (حدود و قصاص و دیات) استیصاد است که گویا قاعده، در اعتبار احکام خارجی است مگر اینکه قانونگذار استثنائاً حکم خاص دیگری داشته باشد بر این اساس باید گفت حکم مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ یک حکم استثنایی است که منطقیاً باید مضیق تفسیر شود، لذا در خصوص شروع به جرم با مجازات تعزیر منصوص شرعی توسط شخص ایرانی در خارج از کشور، به نظر می رسد، هرگاه کشور خارجی اقدام به تعقیب و محاکمه و تحمیل مجازات بر شخص ایرانی نماید حکم صادره از سوی محکمه خارجی در کشور ایران دارای اعتبار تلقی گردد، چون هر چند در فرضی که جرم تام تحقق می یافت، می بایست به مجازات تعزیری منصوص شرعی محکوم می شد، لیکن چون مجازات شروع به جرم دارای مجازات تعزیر غیر منصوص شرعی است و از مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۱۱۵ مستفاد می شود که احکام کشور خارجی در خصوص جرایم موجب تعزیر غیر منصوص شرعی معتبر است، فلذا باید حکم صادره و اجراء شده توسط محکمه خارجی را در این خصوص معتبر تلقی نمود و در مواردی نظیر این مورد قائل به اعتبار احکام خارجی و عدم مجازات مجدد مرتکب ایرانی بود. همچنین در فقه اسلامی شروع به جرم تحت عناوینی نظیر سد ذرایع در فقه

^{۳۹} برهائی، محسن و نادری پور، مریم، «تعزیرات منصوص شرعی؛ مفهوم فقهی و مصادیق قانونی»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۱۳۹۴، ص ۱۰۴.

^{۴۰} شاکری، ابوالحسن و شیرزادی فر، فرشاد، «بررسی عدم پذیرش اعتبار احکام کیفری کشورهای خارجی در تعزیرات منصوص شرعی در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۸، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹.

اهل سنت که تا حدودی منطبق بر اصطلاح مقدمه حرام در اصطلاح اصول فقه شیعه می باشد، آمده است که در این موارد حکم به تعزیر مرتکب شده و هیچ یک از این موارد تعزیری تحت عنوان تعزیر منصوص شرعی قرار نمی گیرد.

۴-۷- تاثیر گذار نبودن توبه در مجازات های منصوص شرعی

مطابق ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: « در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه، هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود حد از او ساقط می گردد همچنین اگر جرایم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

تبصره ۱: توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

تبصره ۲: در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد. مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده، به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آنها محکوم می شود.

۵- نتیجه گیری

سیاست کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تغییرات عمده‌ای نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ دارد و در این قانون قانونگذار با توجه به نیازهای عمومی، کیفری و پیشگیری از جرم و مطابق با موضوع تحقیق در بحث اصل قانونی بودن جرم و مجازات تغییرات گسترده‌ای را ایجاد نموده است. مطابق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این قانون به اعتقاد محقق قانونگذار ضمن نوآوری های متعددی مثل افزودن برخی موارد در کتاب حدود، نسخ قانون اقدامات تامینی و تربیتی ۱۳۳۹ و حذف مجازات های بازدارنده، با پیش بینی ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی در عمل تغییر سیاست کیفری خود را تکمیل نموده است. در ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانونگذار در بحث حدود و جرائم مرتبط با آن اقدام به شناسایی توبه و تاثیر آن بر جرائم تعزیری و حدی نموده است و با قید یک استثناء یعنی جرائم منصوص شرعی زمینه ساز ابهامات متعددی شده است، زیرا برخلاف چارچوب مجازات ها در ماده ۱۱۴ این قانون، جرائم منصوص شرعی را در دسته بندی مجازات های اصلی قرار نداده است و با توجه به اینکه مجازات های تبعی و تکمیلی نیز نیازمند برشمرده شدنشان توسط قانونگذار دارد، این موضوعات باعث گردیده است تا با نوع

جدیدی از جرم انگاری در سیاست کیفری و همچنین مجازات روبرو باشیم. به اعتقاد محقق قانونگذار با پیش بینی ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی به دنبال زنده نمودن نوعی مجازات شرعی بوده است، بدون اینکه بخواهد با اجرای این نوع مجازات در سیاست کیفری تغییری ایجاد نماید، یعنی نه آن را در دسته بندی مجازات های اصلی قرار دهد و نه آن را در دسته بندی حدود قرار دهد از این باب در دسته بندی حدود آن را تصور می‌نمائیم که نوع و ساختار مجازات منصوص شرعی تشابه فراوانی با حدود دارد.

زیرا در ماده ۱۵ قانون مجازات حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است، تعریف شده و مطابق تعریفی که از مجازات منصوص شرعی ارائه دادیم در این نوع مجازات نیز موجب مجازات، نوع و میزان و کیفیت آن توسط ائمه تعیین شده است و این موضوع مورد تعرض فقها قرار نگرفته است، تفاوت عمده حد و تعزیر منصوص شرعی را نیز در ابتدا باید شارع آن بدانیم که در اینجا ائمه بنا به نظر و مطابق موازین شرعی اقدام به قضاوت در مورد خاص نموده‌اند.

بر همین اساس موجب، نوع و میزان و کیفیت اجرای آنها نیز مشخص است. محقق با توجه به تحقیقات فوق بر این اعتقاد است که اگر بخواهیم بهترین و جامع ترین منبع در بین منابع معتبر شرعی را که در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اصل ۱۶۷ قانون اساسی بدان اشاره شده است، مورد شناسایی قرار دهیم، تحقیقات مرحوم علامه مجلسی می‌باشد، زیرا در تحقیق بدان به صورت مبسوط اشاره کردیم، تنها این فقیه به تمامی منابع شرعی و چارچوب جرائم منصوص شرعی پرداخته است و موجب، نوع و کیفیت مجازات را نیز بیان نموده است و سایر فقها تنها برخی مصادیق را مورد پذیرش قرار داده‌اند ولی قاضی مطابق علم خود اختیار به پذیرش یا رد این منبع جامع را نیز دارد.

در این صورت با دو رویکرد در سیاست کیفری روبرو هستیم یا نوع و میزان کیفر در دسته بندی مجازات های منصوص شرعی می‌باشد و قاضی مطابق ماده ۱۱۵ و ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی اقدام به جرم انگاری و اعمال مجازات می‌نماید و یا اینکه با توجه به پذیرش اصل قانونی بودن جرم و مجازات در سیاست کیفری و نبودن مجازات مقرر در ارتباط با فعل ارتكابی توسط متهم، قاضی اقدام به صدور حکم برائت می‌نماید.

نکته مهمی که در باب مجازات منصوص شرعی باید بیان نمود این است که قانونگذار از لفظ تعزیرات منصوص شرعی استفاده نموده است، که نه می‌توانیم مجازات های منصوص شرعی را

در قالب تعزیرات حکومتی دسته بندی کنیم نه اینکه این مجازات ها را مشمول حدود و اختیارات قانونی در باب تعلیق یا تخفیف مجازات های تعزیری بدانیم. زیرا در سیاست کیفری ایران مجازات تعزیری توسط قانونگذار اینگونه تعریف شده است، تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد.

نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود، اما تعزیرات منصوص شرعی توسط قانونگذار نه قابل تعیین است و نه قابل تخفیف و نه توبه در باب آنها مورد پذیرش قرار می گیرد، در واقع با رجوع به ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی در عمل ملاحظه می گردد رویکرد قانونگذار تفکیک این نوع مجازات از سایر مجازات های اصلی و تبعی است و حتی در باب پذیرش توبه در برخی جرائم حدی، قانونگذار اصل را بر عدم پذیرش این موارد در تعزیر منصوص شرعی قرار داده است. در واقع قانونگذار در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی تعزیر را اعم از تعزیرات شرعی و حکومتی دانسته و هر جا از قانون ذکری از تعزیر به میان آورده منظور مجموع تعزیرات شرعی و حکومتی بوده است.

بنابراین مقررات تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، تعلیق اجرای مجازات و مرور زمان که در مجازاتهای تعزیری قابل اعمال است مجموع تعزیرات شرعی و حکومتی را در بر می گیرد. اما قانونگذار با وضع تبصره ۲ ماده ۱۱۵ از همین قانون و بکارگیری عنوان "تعزیرات منصوص شرعی" اعمال برخی مقررات قانونی را درباره این دسته از تعزیرات، منتفی دانسته است. نکته ای در اینجا محقق باید بدان اشاره دارد این است که اگر تعزیرات منصوص شرعی را همان تعزیرات شرعی بدانیم و ذکر کلمه منصوص را زائد تلقی کنیم در این صورت نتیجه ای که حاصل می گردد این است که؛ قانونگذاری که ابتدا تعزیر را اعم از تعزیرات شرعی و حکومتی دانسته و مقررات تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر، تعلیق اجرای مجازات و... را نسبت به جرایم تعزیری به صورت مطلق قابل اعمال دانسته است به یکباره در ادامه تعزیرات شرعی را از شمول این مقررات خارج می نماید؟!!

در حالی که چنین اقدام عجیبی از جانب قانونگذار فهیم بعید به نظر می رسد، زیرا قانونگذار می تواند به راحتی همانند قانونگذار سال ۷۰ تعزیرات حکومتی یا شرعی را تحت عنوان مستقلی در کنار جرایم دیگر معرفی نموده و احکام و مقررات مستقلی را برای این دسته جرایم

وضع نماید. به نظر می‌رسد قانونگذار با قید کلمه "منصوص" بعد از کلمه تعزیرات در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی به صورت کاملاً عالمانه و آگاهانه در پی تفکیک تعزیرات شرعی بوده و بدین صورت تعزیرات منصوص شرعی را از تعزیرات شرعی مشخص نموده است. زیرا تعزیرات منصوص شرعی دارای موجب، نوع و میزان مجازات متفاوتی با تعزیرات شرعی هستند و اگر به سیاست کیفری ایران بنگریم در بسیاری از موارد تعزیرات شرعی مترادف با حدود می‌باشد ولی همانگونه که بیان گردید تعزیرات منصوص شرعی متفاوت با حدود می‌باشند.

متأسفانه مهمترین نقص وارد در باب تعزیرات منصوص شرعی که قانونگذار نتوانسته است بدان پاسخی جامع دهد، این است که قانونگذار با شناسایی برخی موارد جرائم منصوص شرعی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ در عمل تعیین ننموده است که در این موارد قاضی دارای چه اختیار یا محدودیتی است زیرا در تحقیق مصادیق متعدد و کامل تعزیرات منصوص شرعی بیان گردید و برخی از آنها که امروزه به شکل مواد قانونی در آمده‌اند، بیان گردید به عنوان مثال جرم «به همسری درآوردن کنیز با وجود همسر مسلمان» است که اساساً چنین جرمی در ایران امروز، موضوعیت ندارد چراکه کنیز وجود خارجی ندارد. جرم «قرار گرفتن زن و مرد عریان زیر یک پوشش» از مصادیق ماده ۶۳۷ بخش تعزیرات است که مقرر می‌دارد: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد...». قرار گرفتن دو مرد زیر یک پوشش که تا پیش از این با خلأ قانونی مواجه بود در قانون جدید مشمول ماده ۲۳۷ قرار می‌گیرد که مقرر می‌دارد: «همجنسگرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیذ از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش است». قذف مسلمان توسط شخص نصرانی نیز که تنها توسط یک نفر از فقها به عنوان تعزیر منصوص شناخته شده است با توجه به اطلاعات و عمومات موجود در مواد ۲۴۵ به بعد قانون مجازات اسلامی قابلیت مجازات را دارد.

ذکر عنوانی مبهم که واگذار کردن شناخت مصادیق به افراد و محاکم، تنها سردرگمی سیستم قضایی را در پی خواهد داشت. زیرا نه می‌توان آنها را با رجوع به منابع شرعی که در قالب تعزیرات منصوص شرعی آمده‌اند نادیده گرفت و نه در قالب تعزیرات یا حدود از قید تعزیرات منصوص شرعی خارج بدانیم. بنظر می‌رسد در این موارد باید سیاست کیفری را مدنظر قرارداد و بین مواردی که در مواد قانون مجازات اسلامی برای آنها جرم انگاری شده و در دسته تعزیرات و حدود قرار گرفته‌اند و مواردی که در منابع شرعی جای دارند، تفکیک قائل شد که این امر هم با

سیاست کیفری ایران در باب اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تفسیر به نفع متهم در تضاد است، زیرا چارچوب و اصل مورد پذیرش در تعزیرات منصوص شرعی این است که این مجازات ها قابل تغییر نمی باشد، توبه در آنها بی اثر است و قاضی باید به موجب، میزان و نوع و حالت خاص متهم یا متهمین نیز توجه کافی نماید.

منابع و مأخذ

- ۱- آل کجیاف، حسین، (۱۳۹۰)، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۶)، حقوق جزایی عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
- ۴- الوانی، مهدی و شریف زاده، فتاح، (۱۳۷۹)، فرآیند خط مشی گذاری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۵- الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۲)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، نشر میزان.
- ۶- انصاری، محمد و طاهری، محمدعلی، (۱۳۸۸)، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد سوم، تهران، انتشارات جنگل.
- ۷- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۲، نشر سخن، تهران.
- ۸- بالازاده، زهره، (۱۳۸۳)، حقوق بین الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان»، تهران، نشر مردم سالاری.
- ۹- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
- ۱۰- پوربافرانی، حسن، (۱۳۹۱)، حقوق جزایی بین الملل، تهران، جنگل.
- ۱۱- بیکا، ژرژ، (۱۳۷۰)، جرم شناسی، مترجم علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران، دانشگاه شهیدبهبشتی.
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۰) ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۱۳- دلماش مارتی، می ری، (۱۳۸۷) نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه نجفی ابرنآبادی، علی حسین، تهران، نشر میزان.
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۴)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- دهقان، حمید، (۱۳۷۶)، تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزائی اسلام، قم، انتشارات مدین.
- ۱۶- زراعت، عباس، (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۱۸- سرمست بناب، باقر، (۱۳۸۷)، اصل برائت در حقوق کیفری، تهران، نشر دادگستر.
- ۱۹- سلجوقی، محمود، (۱۳۸۵)، بایسته های حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر میزان.
- ۲۰- سیاح، احمد، (۱۳۶۸)، فرهنگ جامع عربی، فارسی، تهران، کتابفروشی اسلامی.
- ۲۱- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ژوبین.
- ۲۴- فیض، علی رضا، (۱۳۷۹) مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی، تهران، فرهنگ و ارشاد.
- ۲۵- قیاسی، جلال الدین، (۱۳۸۵)، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۲۶- کریمی، حسین، (۱۳۶۵)، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی: حاوی جدیدترین استفتائات در زمینه مسائل قضایی، تهران، شکوری.
- ۲۷- کی نیا، مهدی، (۱۳۸۶)، علوم جنایی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۸- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۸) بایسته های حقوق جزا عمومی، تهران، انتشارات میزان.
- ۳۰- لازرژ، کرسنتین، (۱۳۸۲) درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه، دکتر علی حسین نجفی ابرآبادی، انتشارات میزان.

- ۳۱- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۷۹) قواعد فقه بخش جزایی، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۳۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵) آشنایی با علوم اسلامی، تهران، صدرا.
- ۳۴- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، تعزیر و گستره آن، قم، انتشارات مدرسه امام علی.
- ۳۵- موسوی، سید رضا، (۱۳۸۸)، آشنایی با حقوق جزای عمومی اسلامی، مشهد-دانش شرق: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۳۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۳۷- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۸۸)، کیفرشناسی نو-جرمشناسی نو، تازه‌های علوم جنایی، تهران، میزان.
- ۳۸- نصیری، محمد، (۱۳۸۱)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، انتشارات آگاه.
- ۳۹- نوربها، رضا، (۱۳۹۱)، زمینه حقوق جزای عمومی: به انضمام نمونه‌هایی از سوالات امتحانی، تهران، گنج دانش.
- ۴۰- وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا، (۱۳۸۷)، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی؛ تهران، مجد.
- ۴۱- ولیدی، محمد صالح؛ (۱۳۷۱)، حقوق جزا، مسؤولیت کیفری، تهران، امیرکبیر.
- ۴۲- یوسفیان، نعمت‌الله، (۱۳۶۷) احکام حقوقی اسلام، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع)

